

## رسالت سازمان نظام روان‌شناسی و رسالت جامعه روان‌شناسی ایران در خصوص توسعه و بررسی متون تخصصی دروس روان‌شناسی

دکتر ناصر صبحی قرا ملکی

همان‌طور که در صحبت‌های دکتر افروز و سایر همکاران ملاحظه فرمودید، نظام روان‌شناسی و کلاً سازمان مربوط به نظام روان‌شناسی، رسالت‌های مختلفی دارد. یکی از رسالت‌ها، توسعه و بررسی متون تخصصی دروس است. در زمینه دروس، شاید در حال حاضر به مباحث آکادمیک پرداخته شود، اما زمانی که به محتوای کتاب‌های درسی نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم بومی‌سازی کنیم، خود اینها برگرفته از بعضی مطالب، از جمله بعضی از پژوهش‌های بومی است که تمامی استادان هم بر این نکته تأکید داشتند. در این خصوص، شاید کمتر همکاری را سراغ داشته باشیم که وقتی صحبت می‌شود، اشاره کند که تجربه مشکل یا حداقل گلابه و رنجیده‌خاطری از نحوه فرایند مربوط به اخذ مقالات و چاپ آنها را در مجلات مختلف نداشته باشد. ما بیشتر به جای بحث روان‌شناسی سلامت روانی، خواسته یا ناخواسته، بحث روان‌شناسی مرضی یا آسیب‌شناسی را تحقق بخشیده‌ایم، که متأسفانه در محافل علمی، در رفتار خود ما به‌عنوان معلم هم دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، وقتی در محافل علمی و دانشگاهی می‌بینیم به صورت خصوصی، کتاب استاد خاصی را زیر سؤال می‌برند، بدون اینکه نقد علمی صورت گرفته باشد، پژوهش‌های علمی همکاران زیر سؤال می‌رود. در خصوص مجلات صحبت می‌شود که گرایش‌ها و سوگیری‌های خاصی وجود دارد. معمولاً شورای علمی و هیئت تحریریه سعی می‌کنند مقالات خودشان یا افراد وابسته به خودشان را چاپ کنند. وقتی این نوع برخورد می‌کنیم، از نظر اخلاقی و حتی از نظر روان‌شناسی، می‌توان یک نوع کاربرد مکانیسم دفاعی از نوع تحقیر کردن را دید که هیچ جایگاه

علمی ندارد. اما اگر همان کتاب یا مجله یا ... را به صورت علمی نقد کنیم و به صورت مکتوب در جایی ثبت کنیم که حتی کار خودمان هم در معرض نقد قرار بگیرد، این می‌شود یک کار علمی که متأسفانه در این مورد، اقدامات بسیار کمتری داشته‌ایم. یکی از مواردی که ادعاها و اتهامات به آنها وارد می‌شود در خصوص دو مجلهٔ اساسی مربوط به حوزهٔ ما، پژوهش‌های روان‌شناختی و مجلهٔ روان‌شناسی، همان فصلنامهٔ روان‌شناسی است.

همان‌طور که استحضار دارید، این نوع بررسی‌ها شمشیر دو لبه است، یعنی ممکن است که انسان با واکنش‌های متفاوت همکاران مواجه شود و بعضاً متوجه ضرر و زیان‌هایی شود.

وقتی دربارهٔ مجلهٔ روان‌شناسی و پژوهش‌های روان‌شناختی به صورت تحلیل محتوایی بررسی کنیم، ببینیم که مثلاً خود اعضای هیئت تحریریه در چند درصد از مقالات به صورت انفرادی یا اشتراکی، مشارکت داشتند و ببینیم که آیا این ادعاها درست است یا نه؟ به همین دلیل، پژوهش‌های روان‌شناختی را که مرور کردم، از دههٔ ۷۰ که چاپ شده متأسفانه شانزده شماره بیشتر نبوده و در برخی از سال‌ها، ما شکاف‌های عظیمی داریم که فصل‌های متوالی چاپ نشده است. به همین دلیل، این بحث را کنار گذاشتیم و دقیقاً تمرکز کردیم روی مجلهٔ روان‌شناسی انجمن ایرانی روان‌شناسی. در خصوص این مجله که از تابستان ۷۶ تا تابستان ۸۵ چاپ شده، به طور کلی، ۳۸ جلد چاپ شده و در طول این مدت، ۵۹ مقاله به این مجله ارسال شده است که شاید در مقایسه با سایر مجلات بی‌سابقه باشد. متوسط یا میانگین چاپ مقاله در هر سال، ۲۵ جلد بوده و متوسط چاپ در هر دوره یا در هر مجله، حدود پنج مورد بوده. از اینها، ۳۲۰ مقاله رد شده که فرایند بسیار سختی داشته، ۶۴ مقاله در دست بررسی است و ۲۰۶ مقاله چاپ شده. تحلیل نشان می‌دهد که تعداد ۴۱ مقاله، ۱۹/۹۰ درصد، یعنی تقریباً ۲۰ درصد مقالات را اعضای هیئت تحریریه نوشته‌اند و حدود ۵۹ مقاله، ۲۸/۶۴ درصد با همکاری اعضای هیئت تحریریه و دیگران چاپ شده است، بقیه مقالات که حدود ۱۰۶ مقاله باشند و در حدود ۵۱/۴۸ درصد است را سایر افراد از دانشگاه‌ها و سراسر کشور ارسال داشته‌اند. در مجموع می‌بینیم، درست است که اعضای هیئت تحریریه، با جمع اشتراک، در ۱۰۰ مقاله یا شاید ۴۹ درصد مقالات به صورت انفرادی و اشتراکی مشارکت داشته‌اند؛ اما وقتی ما تحلیل می‌کنیم و متوجه می‌شویم که انفرادی بهتر است تا اشتراکی، می‌بینیم که حضور انفرادی اعضای هیئت تحریریه فقط ۲۰ درصد است.

صاحب امتیاز مجله در طول این ده سال، فقط ۲ مقاله داشته است در حدود ۰/۹۷ درصد، مدیر

اجرایی مجله ۷ مقاله یعنی ۳/۴۰ درصد، شورای علمی که عبارت‌اند از ۱۳ استاد تراز اول کشور در مجموع، ۳۲ مقاله داشتند که ۲۵/۵۳، می‌شود. همکاری اعضای مجله با سایرین ۵۹ مقاله یعنی ۲۸/۶۴ درصد بوده، بقیه هم ۵۲ درصد بوده که سایرین انجام داده‌اند.

حالا این بررسی را انجام دادیم که افراد دارای سمت فقط با سایرین چه قدر همکاری داشته‌اند. صاحب امتیاز ۲ درصد، همکاری صاحب امتیاز با سایرین ۸ درصد، همکاری صاحب امتیاز با شواری عالی ۱۴ درصد؛ یعنی در ۲۴ درصد مقالات چاپ شده صاحب امتیاز سهیم بوده است، اما از بین اینها به صورت انفرادی، زیر یک درصد سهیم بوده. این نشان می‌دهد با این که فعالیت داشته‌اند، اما فعالیت‌شان بیشتر در جهت گسترش همکاری بوده. مدیر اجرایی این مجله به تنهایی ۷ درصد، همکاری با سایرین ۳ درصد، مدیر اجرایی با شورای علمی هیچ‌گونه همکاری نداشته که خود این می‌تواند جای بحث داشته باشد. شورای علمی مجله که عبارت است از ۱۳ استاد بود، در ۳۲ درصد مقالات به صورت انفرادی شرکت داشته‌اند و در همکاری با سایرین ۳۴ درصد بوده است.

این سه مورد شامل صاحب امتیاز، مدیر اجرایی، شورای علمی یک طرف و طرف دیگر، سایرین هستند. اتهامات و ادعاهایی که وجود دارد، مربوط به این سه قضیه است.

اعضای شورای علمی را که متشکل از ۱۳ نفر بود، به صورت کدگذاری مشخص کرده‌ام؛ فرد H، ۸ مقاله داشته و در بین آن ۳۲ مقاله‌ای که به شورای علمی داده‌اند، ۲۵ درصد مقالات فقط مختص این فرد بوده است. فرد F، ۵ مقاله داشته و با ۱۵ درصد، فرد I، با ۴ مقاله و ۱۲/۵ درصد. اما می‌رسیم به افرای مثل D و B که اصلاً هیچ مقاله‌ای به چاپ نرسانده‌اند، یعنی نگرش علمی یا مثبت این است که خود اعضای هیئت تحریریه، به صورت انفرادی مقالات کمی در مجله خودشان داشته‌اند که معمولاً وجهه خوبی ندارد ولی اکثریت خوشبختانه ۱ یا ۲ مقاله را به چاپ رسانده‌اند و فقط ۲ یا ۳ نفر از این افراد هستند که تعداد مقالاتشان بیشتر از این است و این هم جای بحث دارد که آیا این افراد واقعاً از نظر علمی توانایی بالایی دارند یا نه.

با این حساب، با توجه به آمار و ارقامی که داریم، از میان ۵۹ مقاله چاپ‌شده با مشارکت هیئت تحریریه، آقای G با ۱۶ مشارکت، ۲۴/۴۴ درصد و آقای A با ۱۱ مشارکت، بالاترین سهم را داشته‌اند. افراد D، E، M هر کدام با ۳ درصد، کمترین سهم را داشته‌اند و وقتی نگاه می‌کنیم، از

۴۱ مقاله مربوط به هیئت تحریریه، آقای H و مدیر اجرایی مجله هر کدام با ۷ و ۸ مقاله و تقریباً ۲۰ و ۱۷ درصد، بالاترین مشارکت را داشته‌اند؛ در صورتی که آقایان D و B کمترین مشارکت را داشته‌اند. آمار و ارقام را وقتی در کنار هم قرار می‌دهیم، می‌بینیم که با توجه به رسالت مجله، که رسالت آن توسعه دانش روان‌شناسی در ایران و فراهم کردن فرصت برای چاپ مقالات همکاران مخصوصاً دانشجویان دوره‌های ارشد و دکتری است و نهادینه کردن گزارش و ثبت پژوهش‌های علمی موفق بوده و در این زمینه باید از کارشان دفاع کرد؛ اما با موشکافی‌هایی که انجام می‌دهیم، می‌بینیم که برخی از اعضای هیئت تحریریه، از مسئولان تا شورای علمی، نسبت به دیگران یک مقدار برخورداری بیشتری داشته‌اند و اگر این مطلب انعکاس داده شود و، با توجه به بزرگواری و صداقتی که این بزرگواران دارند، گزارش شود، مطمئن هستیم که ان‌شاء الله مثمر ثمر خواهد بود.

